

گفتمان هویت فرهنگی زنان در فرش دست‌باف دوره قاجار و پهلوی با رویکرد فوکو

چکیده:

از مسائلی که کم‌تر به آن پرداخته شده است، مساله هویت فرهنگی زنان در حوزه فرش دست‌باف می‌باشد. از آنجا که فرش دست‌باف همواره، آمیخته با زندگی زنان بوده است، مساله اصلی این پژوهش، اعتبار بخشیدن به گفتمان هویت فرهنگی زنان در فرش دست‌باف و مفصل‌بندی عناصر موثر این گفتمان در ایران دوران قاجار و پهلوی اول است. در این پژوهش، با تکیه بر نظریات فوکو، مجموعه گزاره‌های تولید‌کننده دانش در حیطه مربوط به زنان و فرش‌بافی در دو دوره مذکور مورد بررسی قرار گرفته است. لذا، زن در ارتباطش با فرش دست‌باف از سه منظر (۱) ذهنی؛ (۲) عینی و (۳) موضوع اثر، مورد تحلیل قرار گرفته است و سعی در کشف روابط عناصر مرتبط با زنان و نحوه ایجاد معنا و گفتمان در فرش شده است. هم‌چنین، هدف از این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که، هویت فرهنگی زنان در فرش دست‌باف ایرانی در دوران قاجار و پهلوی را چگونه می‌توان اعتبار بخشید؟ روش پژوهش کیفی و از نوع تحلیل گفتمان می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها و رسیدن به پاسخ مساله، از نظریه دیرینه‌شناسی میشل فوکو به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. این روش به سبب وفور مستندات در مورد مشارکت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان در حوزه فرش دست‌باف دوران مزبور، جهت اعتباربخشی و توصیف این گفتمان، اتخاذ شده است. نتیجه پژوهش، حاکی از آن است که با در نظر گرفتن زنان در موقعیت‌های سه‌گانه ذهنی، عینی و موضوع اثر، می‌توان به هویت فرهنگی زنان در گفتمان فرش دوران قاجار و پهلوی اول اعتبار بخشید.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

سپیده طراوتی محجوبی

دانشجوی دکتری پژوهش هنر،
دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)،
تهران، ایران.

Email:
sepidehtaravati@gmail.com

فاطمه کاتب

(نویسنده مسئول)

استاد گروه پژوهش هنر دانشگاه
الزهرا (س)، تهران، ایران.

Email: f.kateb@alzahra.ac.ir

مهدی کشاورز افشار

استاد یار و هیئت علمی گروه پژوهش
هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت
مدرس، تهران، ایران.

Email: m.afshar@modares.ac.ir

DOI شناسه دیجیتال:

10.22051/jtpva.2021.37169.1327

واژگان کلیدی: گفتمان زنانه، فرش دست‌باف، فوکو، زنانگی

مقدمه

زنان در مقام آفریننده آثار هنری، اغلب به‌دلیل وجود نظام‌های مردسالار، تنها در نقش سازنده مصنوعات مورد استفاده بشر قرار گرفته‌اند، نه هنرمند (بلخاری، ۱۳۸۹: ۱۹۶). برای مثال در بسیاری از دست‌بافته‌ها، رد و اثر و نشانی از نام زنی که آن را پدید آورده است نمی‌توان دید. بلکه اغلب با اسامی منتسب به محارم مرد ایشان از آنان یاد شده است. در برخی از نقوش فرش دست‌باف، می‌توان اسامی زنانه یافت که منشای آنان مشخص نمی‌باشد و مستنداتی از آنها در دست نیست. زنان به‌خصوص، طبقات پایین اجتماعی - که به ندرت سخن میگفتند - در لایه‌هایی از تاریخ پنهان مانده‌اند. لذا، این تحقیق با پیگیری این آثار و علائم، در صدد یافتن هویت زنانه مستقل حول فرش دست‌باف ایرانی، در دوران قاجاریه به‌خصوص، عهد ناصری و مشروطه و نیز پهلوی اول می‌باشد؛ زیرا تحلیل نقادانه این آثار هنری، ردپای تفکر زنانه حاکم در فرش دست‌باف ایران را روشنتر ساخته است. دوران قاجار و پهلوی مجموعاً بازه تاریخی ۱۸۲ ساله حکومت بر کشور ایران را تشکیل می‌دهند؛ که تأکید بر اسناد دوران ناصری تا مشروطه که حدود ۵۸ سال و دوران رضاخان پهلوی که بازه ۱۵ ساله را در بر می‌گیرد، می‌باشد. زیرا در فرش‌ها و شرایط زنان این دوران تغییرات محسوس با دوران پیش از آن به وجود آمد و نیز نمونه‌ها و اسناد قابل دسترسی از این دوران موجود می‌باشد. هم‌چنین، در مطالعات پیشین مربوط به فرش دست‌باف در این دوره، به جایگاه زنان در حوزه فرش دست‌باف پرداخته نشده وزن، صرف هویت زنانه‌اش و ارتباطی که با فرش دست‌باف دارد به‌عنوان محوریت پژوهش‌های پیشین قرار نگرفته است. چه بسا هنر-صنعت فرش دست‌باف، همواره در اختیار مردان بوده و به زنان جز در نقش بافنده و یا موضوع تصویر در قالب‌چه‌های تصویری که بخشی از تولیدات این دو دوره را تشکیل می‌دادند، نگاه ژرف‌تری نشده است. زیرا انتظار می‌رود که کشور ایران با داشتن چنین فرهنگ و هنر غنی در فرش دست‌باف، دارای مستندات بیش‌تری از هویت زنان بافنده، نحوه تأثیرگذاری آنها بر نقوش و دیگر جوانب فرش دست‌باف باشد. یافتن و کاویدن زندگی زنان و ارتباط و تأثیر ایشان در فرهنگ و هنر، به هویت زنانه در دست‌بافته‌های این دوران، اعتبار می‌بخشد. در دوران قاجار، روند تأثیرپذیری از فنون و روش‌های هنر اروپایی، شدت گرفت و موجب آشنایی

ایرانیان با فرهنگ و تمدن جدید شد و این مساله را می‌توان از دگرگونی‌های ذوق و سلیقه آن دوره به حساب آورد (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۸). در دوران پهلوی اول و دوم، طی آشنایی بیش‌تر پادشاهان ایران با فرهنگ غربی، حضور زنان در برخی فعالیت‌ها و مظاهر اجتماعی بیش‌تر گردید. هرچند این حضور نیز مربوط به قشر خاصی از زنان و طبقه به اصطلاح مرفه جامعه بود. هم‌چنین، قالی‌ها با مضمون تصویر پادشاهان تاریخی و روایات مذهبی و قصه‌های اسطوره‌ای و در برخی موارد تصویر زنان اروپایی نیز وارد نقوش فرش‌های ایرانی شد. در مجموع می‌توان ادعان داشت که، حضور عناصر زنانه در عرصه‌های مختلف فرش دست‌باف چه به‌عنوان تولیدکننده، چه مصرف‌کننده و چه به‌عنوان موضوع اثر هنری، می‌تواند یک مفهوم نظم یافته گفتمانی را تشکیل دهد. طبق روش پیشنهادی فوکو در کتاب «دیرینه‌شناسی دانش»، برای تحلیل بهتر، بایستی به گروهی از پدیده‌ها که به ترتیب و یک‌سان (یا حداقل شبیه به هم) هستند، وضعیت خاصی به صورت موقت اعطا شود. این کار این امکان را به ما می‌دهد، تا در پراکندگی تاریخ به همان‌سان، تجدید نظر کنیم؛ هم‌چنین، اجازه می‌دهد تا تفاوت را متناسب با هر آغازی کاهش دهیم؛ تا برای یافتن منبع، بی‌وقفه به جستجوی بی‌پایان ادامه دهیم (Foucault, 1972: 21). مساله اصلی این پژوهش، صورت‌بندی گفتمان هویت زنانه و مفصل‌بندی عناصر موثر و هم‌سوی این گفتمان فرهنگی در ایران دوران قاجار و پهلوی است هم‌چنین، هدف از این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که، هویت فرهنگی زنانه در فرش دست‌باف ایرانی در دوران قاجار و پهلوی را چگونه می‌توان اعتبار بخشید؟

روش پژوهش

این پژوهش از حیث روش، در رده پژوهش کیفی قرار می‌گیرد و از حیث شیوه اجرا، توصیفی-تحلیلی-تاریخی می‌باشد. جهت گردآوری مطالب در بخش منابع مکتوب، مطالعات کتابخان‌های، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات مربوط به دست‌بافته‌های دوره‌های مورد مطالعه، بررسی شد. این کار با استناد به منابع علمی قابل قبول از حیثه مباحث نظری انجام شده است. در مرحله دوم، پژوهش وارد مرحله میدانی می‌شود که در این مرحله به گردآوری اطلاعات از جامعه آماری مورد نظر که شامل دست‌بافته‌های این دوران خواهد بود، به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی

پیشینه پژوهش

افسانه نجم‌آبادی در دواثر «چرا شد محو از یاد تو نامم» (۱۹۹۶) و «زنان سیبیلو و مردان بی‌ریش» (۲۰۰۵)، سعی در آشنایی زدایی از فهم غالب درباره مناسبات جنسیتی در ایران معاصر دارد. وی پژوهشگر و استناد دانشگاه هاروارد و از ناموران مطالعات زنان، جنسیت و تاریخ به ویژه در دوران قاجار است که خاصه به وضعیت زنان این دوران می‌پردازد. وی معتقد است که جامعه کنونی، شدیداً، نیازمند بازخوانی و بازنویسی از روایت‌هایی است که تصویر زن در آنها به این شکل ارائه شده و نیاز است که این تصویر به چالش کشیده شود. وی در مقالات خود نیز سعی نموده تا نام از یاد برده شده زنان در تاریخ معاصر ایران را همواره به میان کشد. با بررسی آثار وی می‌توان به اهمیت پرداختن به مساله زنان و بازخوانی تاریخ از نقطه نظر زنان پی برد. راحله جمعه پور (۲۰۱۵)، در پایان‌نامه «زنان در ایران از دوران پیش از اسلام تا دوران مدرن» به بررسی نقوش زنان پرداخته است. وی انواع نقوش زنان را از دوران هخامنشی تا پس از اسلام و مدرن مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. پژوهش‌های متعدد دیگری نیز در داخل کشور به بازنمایی تصویر زنان در هنر پرداخته‌اند. در این میان می‌توان به مقاله «مطالعه مقایسه‌ای تصویر زن از دیدگاه هندسی در دیوارنگاره‌های کاخ‌ها و خانه‌های اصفهان» نوشته محمدطالبی و ولی بیگ (۱۳۹۷)، اشاره نمود که کوششی است در راستای مدل‌سازی ترسیمی و تحلیل مقایسه‌ای نقوش زن در کاخ‌ها و خانه‌های اصفهان از منظر هندسی. در حوزه گفتمان اقتصادی زنان، والتین مقدم (۱۳۹۵)، مقاله‌ای با عنوان «پنهان در تاریخ، زنان و نقش اقتصادی آنان در ایران عصر قاجار و پهلوی» نوشته است. این مقاله خاصه به زنان طبقات پایین اجتماعی، متمایز از زنان فرهیخته می‌پردازد که در تاریخ پنهان مانده‌اند. وی نگاه ریزبینانه‌ای به مشاغل خانگی در دوران قاجار و پهلوی نموده و معتقد به ماهیت مردسالار و تقسیم‌بندی جنسیتی کارگران است. اکرم نوری و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهش «بررسی تصویر زن در قالی‌های عشایری نقش‌نُه زن با تاکید بر مولفه اجتماعی پوشش زنان عشایری» خاصه به سه نوع قالی عشایری با نقش‌نُه زن پرداخته‌اند. این پژوهش به بررسی پوشش زنان کرد و عشایر کرد خراسان و نیز عشایر افشار می‌پردازد. مرور در سوابق پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سوژه زن و زنانگی، نه تنها حاوی معانی و ساختارهای مختلفی است،

و قابل دسترس انجام شده است. هم‌چنین، با استفاده از روش تاریخی، رویدادهای گذشته را مطالعه و درک نموده، به علل، تأثیرات یا روند رویدادهای گذشته - که به روشن شدن رویدادهای کنونی و پیش‌بینی وقایع آینده کمک می‌نماید - پرداخته شده است. پژوهش پیشرو در ادامه، به شرایط و وضعیت حاکم در دوران قاجار و پهلوی علی‌الخصوص در رابطه با وضعیت زنان می‌پردازد. طبق نظریه فوکو، در هر دوره‌های از ادوار، گفتمان خاصی بر رفتار و کردار آدمیان حاکم است و یک سلسله راهبردهای گفتمانی با آن‌ها همراه است که با زبان پیوند گسست‌ناپذیر دارند و با فروپاشی هر سامان راهبردهای مزبور هم‌کارایی خود را از دست می‌دهند. جهت بیان مفاهیم مد نظر، روش دیرینه‌شناسی فوکو برگزیده شده است. زیرا دیرینه‌شناسی، روشی از تاریخ‌نگاری است که بر اولویت آگاهی افراد بر موضوعی تکیه ندارد. روش فوکو، همیشه فقط جنبه‌های مثبت و قابل تایید موجود گفتمان را توصیف می‌کند؛ همان‌طور که ممکن است یک مصنوع فیزیکی یا بنای تاریخی را توصیف کند. دیرینه‌شناسی، به تاریخ به عنوان راهی برای درک فرآیندهایی که حال را منجر شده، نگاه می‌کند. برای مثال در ارتباط با این پژوهش، پژوهندگان با خیل اسنادی که زنان را با فرش دست‌باف مرتبط می‌سازد، مواجه شدند؛ از آنجا که حضور زنان در عمده مراحل تولید فرش دست‌باف مسجل و غیرقابل انکار است، سعی در یافتن شیوه‌های تولید، انتقال و مصرف فرش دست‌باف، در بستر تاریخی مورد نظر - که از جمله دوران تحول در شرایط زنان (جدول ۱) نیز می‌باشد - می‌نمایند. فراوانی آثار و علایم وردپای زنان در حوزه فرش دست‌باف را می‌توان منجر به فرض بر وجود گفتمانی زنانه در فرش دست‌باف دوران مورد نظر دانست و سپس، با تکیه بر روش دیرینه‌شناسی فوکو، مجموعه آثار مادی برجای مانده از آن دوره فرهنگی و تاریخی خاص را تعیین نموده و به معرفتی نسبی از هویت فرهنگی و اجتماعی زنان در گفتمان مد نظر رسید. لذا، در ادامه، به شرایط زنان در ارتباط با فرش دست‌باف در دو دوره قاجار و موخر و پهلوی اول پرداخته و تا حدودی به مناسبات قدرت نیز اشاره شده است. سپس، سعی شده تا طبق مدل مفهومی پژوهش (شکل ۱)، به زنان وضعیت سوژگی (ذهنی)، ابژکتیو (عینی) و مفهومی در حوزه فرش دست‌باف اطلاق نمود تا به درک روشنی از گفتمان حاکم بر فرش دست‌باف در دوره قاجار و پهلوی رسید.

بلکه از چارچوب‌های عمدتاً یک‌سویه متعارف نیز فراتر رفته و باعث می‌گردد تا تعبیر گوناگونی از آن متصور گردد. این تعبیر و تعاریف در هر جامعه‌ای به اقتضای شرایط حاکم و امکانات موجود به نحوی متفاوت عینیت می‌یابد. اما آنچه در این دسته از پژوهش‌ها ناگفته می‌ماند تحلیلی دقیق از شرایط و عواملی است که این شکل جدید از تجربه را تعریف و بر ساخته می‌سازد. کنکاش در رد پای زنان در تمام ابعاد و حوزه‌های فرش دست‌باف و تلاش برای درک گفتمانی آن در بستر جامعه ایرانی با استفاده از یک الگوی نظری برخوردار از زیربنای تحلیلی قوی در پژوهش کمک می‌کند که با نگاهی تحلیلی به زاوایای جدیدی از این مساله پی برد.

چارچوب مفهومی

تحلیل گفتمان به مجموعه‌ای خنثی از ابزارهای شناختی روش، برای تجزیه و تحلیل انواع پدیده‌ها اطلاق می‌شود. از نگاه تحلیل‌کنندگان سرآمد گفتمان، مانند میشل فوکو «صورت‌بندی‌های گفتمانی» به پیکره‌های نظام‌مند عقیدتی و مفهومی اشاره دارند، که ادعا دارند می‌توانند نسبت به جهان دانش‌آفرینی کنند. برای نمونه، فوکو در گزارش تاریخی خود از گفتمان‌های علمی سعی دارد تا اصول تغییر نهفته در این گفتمان‌ها را تبیین کند؛ و تولید و تغییر آنها را نیز به فرآیندهای سیاسی و اجتماعی و تاریخی گسترده‌تری مرتبط سازد که خود بخشی از آنها هستند. مساله گفتمانی یک ابرساختار را تاسیس نمی‌کند، و به بیان صریح‌تر، بدان معناست که تمام اعمال اجتماعی، تا جاییکه معانی را تولید می‌کنند، خود را نیز استقرار می‌دهند و هیچ چیز، خصوصاً اجتماعی وجود ندارد که خارج از گفتمان تشکیل شده باشد (Foucault, 1990: 101). می‌توان، گفتمان را به مثابه شیوه‌ای نهادینه شده از تکلم دانست که کنش‌ها را تنظیم کرده و بدین طریق قدرت را اعمال می‌کند. گفتمان‌ها صرفاً، بیان و اظهار از اعمال اجتماعی نیستند، بلکه به اهداف خاصی، خصوصاً اعمال قدرت، کمک می‌کنند. به بیان فوکو «مردم می‌دانند که چه می‌کنند، و غالباً می‌دانند که چرا آن کار را انجام می‌دهند؛ اما آنچه آن‌ها نمی‌دانند این است که آن چه که انجام می‌دهند، چیست» (Wodak & Meyer, 2015: 92). تأثیرات قدرت گفتمان‌ها را نمی‌باید الزاماً، به مثابه آگاهی و مقاصد دستکاری شده برخی از افراد یا گروه‌ها تفسیر کرد (Foucault, 1977: 25). زیرا منشای قدرت غالباً مبهم است؛ اما جایی که قدرت هست، مقاومت نیز وجود

دارد و مقاومت می‌تواند از بسیاری از جهات تبدیل به بخشی از شبکه یا «روابط قدرت» شود (Foucault, 1978: 95). به عقیده فوکو، هر روشی، حتی خود روش تحلیل گفتمان فوکویی می‌تواند یک تکنیک تولید شده تاریخ‌مند باشد. فوکو می‌خواهد تا هر حقیقتی چنان امری تاریخ‌مند در نظر گرفته شود؛ در نتیجه، خود روش هم بایستی به مثابه امری تاریخ‌مند و البته، نه عام و جهان‌شمول در نظر گرفته شود. رویکرد برساخت‌گرایانه فوکویی که هم‌زمان پوزتیویست هم هست؛ جهانی اجتماعی را به عنوان برساختی در نظر می‌گیرد که به واسطه کنشگران و از طریق شبکه‌های قدرت و دانش ساخته شده است (حاجلی، ۱۳۹۵: ۶۴-۶۹). ویژگی بارز تجزیه و تحلیل گفتمان به سودمندی آن در تجسم محرک‌ها، عوامل واسطه‌ای، فرایندها و تأثیرات یا نتایج آن بستگی دارد که وجود آن در هر سیستم پیچیده و پویای اجتماعی-محیطی، طبیعی است.

هرچند فوکو، چگونگی انجام پژوهش ذیل گفتمان را به روشنی توضیح نداده است و به سختی می‌توان یک راهنمای آسان، جهت به‌کارگیری در انجام پژوهش اجتماعی در کار و یافت؛ در دو مرحله عمده روش شناختی خود، از دیرینه‌شناسی و تبارشناسی بهره می‌گیرد. در دیرینه‌شناسی، فوکو بر بعد درونی گفتمان متمرکز شده و به بررسی عناصر غیرگفتمانی علاقه‌ای نشان نمی‌دهد. اما در تبارشناسی به نگاهی کلان می‌رسد که تفاوت‌های عناصر گفتمانی و غیرگفتمانی را ذیل مفهوم گفتمان به هم‌گره می‌زند. پژوهش پیش رو، بر روش دیرینه‌شناسی فوکو تاکید داشته و تبارشناسی را جزو مولفه‌های مورد کنکاش خود قرار نداده است. در دیرینه‌شناسی، گستره وجود و کارکرد یک عمل گفتمانی مورد تحلیل و توصیف قرار می‌گیرد و کل قلمرو نهادها، مناسبات اقتصادی و روابط اجتماعی کشف می‌شود که بر مبنای آن می‌توان مفصل‌بندی گفتمانی معینی را شناخت. برای مثال، برای تحلیل گفتمان هویت زنانه در فرش دست‌باف ایران در دوران مذکور، می‌بایست مناسبات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در این دوران را مورد بررسی قرار داد؛ تا بتوان به «گفتمان زنانه»، اعتبار بخشید و «تاریخیت» آن را به رسمیت شناخت. در دیرینه‌شناسی، به توصیف گفتمان، شرایط ظهور و دگرگونی آنها پرداخته می‌شود و به دنبال معنای عمیق، پنهان و محتوای پیشنهادی یا منطقی آنها پرداخته نمی‌شود. لذا، در این پژوهش، با توجه به مشاهدات و مستندات که از دوره

غربی شد. آنها در مورد موقعیت زنان در اروپا از زبان همسران دیپلمات‌های اروپایی و از مسافران برجسته ایرانی مطلع می‌شدند و اینگونه شد که زن اروپایی الگو و ایده‌ال زن ایرانی شد. در سال ۱۹۲۱ میلادی، رضاخان کودتا کرد و سلسله پهلوی را تاسیس کرد. وی به شدت تحت تاثیر مصطفی کمال آتاتورک و جنبش ملی گرایانه وی، به ویژه، اصلاحات فرهنگی در ترکیه بود. رضاشاه کار خود را با واداشتن زنان به ترک حجاب در همه مکان‌های عمومی آغاز کرد. چند سال بعد، یعنی ۷ ژانویه ۱۹۳۷ میلادی / ۱۷ دی ۱۳۱۵، رسماً روز زن - اولین روز رسمی تبلیغات عمومی کشف حجاب - اعلام شد. سال بعد از آن، زنان برای اولین بار در دانشگاه‌های ایران پذیرفته شدند. هرچند سیاست کشف حجاب حتی زنان مسلمان کاملاً مذهبی نیز را شامل می‌شد؛ که می‌بایستی این قانون را - که همانا برداشتن حجاب در انتظار عمومی بود - اجرامی کردند. این کار باعث وحشت بسیاری از زنان شد و به روحیه آنها آسیب وارد کرد. بنابراین، بسیاری از زنان تصمیم به ماندن در خانه گرفتند و خود را از ورود جامعه منع کردند (Reeves, 1989: 78).

اگرچه اغلب زنان در دوره‌های پهلوی و قاجار، بر اساس تعلقات اجتماعی و فرهنگی خود، در بیش‌تر مواقع، نقش و هویت خود را به عنوان یک زن ذیل تعاریف یکی از گفتمان‌های رایج ادراک کرده بودند، اما این هرگز به معنای منفعل بودن زنان در تعریف مفهوم زنانگی در دوران نوین و بازتعریف زن و نقش و جایگاه او در مناسبات جدید اجتماعی نیست (ذکایی، امن پور و اکبری: ۱۳۹۸: ۱۸)؛ چرا که آن‌طور که میشل فوکو می‌گوید، هرکجا که قدرت باشد، مقاومت نیز وجود دارد. خلاهای موجود در مدرنیته نیمه‌جان ایرانی دوران قاجار و پهلوی، این امکان را برای گروه‌های حاشیه‌نشین هم‌چون زنان فراهم آورده است؛ تا بتوانند خود را از حاشیه این متن به میان آورند و زنانگی و هویت زنانه را از نگاه یک زن و به عنوان عضوی از اعضای جامعه بازتعریف کنند.

هرچند دوران قاجار و پهلوی را می‌توان از جمله حکومت‌های مردسالار ایران به حساب آورد، اما برای درک بهتر دستاوردهای زنان در این دو دوره - که در نوع خود بی‌نظیر بوده‌اند - بهتر است به جدول ۱ توجه کرد.

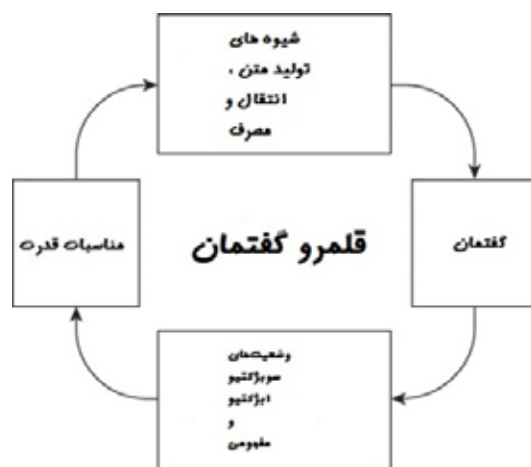
زنان و فرش‌بافی

گزارشات تاریخی از اقتصاد ایران نشان‌گر آن است که، زنان

مورد بررسی در دسترس است و با فرض بر اینکه گفتمان زنانه‌ای بر فرش دست‌باف این دوران حاکم است، به توصیف این گفتمان و شرایط ظهور آن پرداخته شده است. دیرینه‌شناسی در مورد بررسی و ترتیب آثار استدلالی از زمان گذشته برای نوشتن در زمان حال است. مدل مفهومی زیر، شرح روند پژوهش پیش رو می‌باشد. بدین صورت که، قلمرو هویت فرهنگی زنان در دوران قاجار از عهد ناصری به بعد تا پهلوی اول را قلمرو گفتمان زنانه در فرش دست‌باف در نظر گرفته و برای تاریخیت بخشیدن و نوشتن در مورد آن، به شرایط ظهور و دگرگونی آن پرداخته می‌شود. برای بررسی تاریخی از منظر دیرینه‌شناسی فوکو، به وضعیت‌های سوپزکتیو (عینی)، ابژکتیو (ذهنی) و موضوع اثر بودن زنان در ارتباطشان با فرش دست‌باف پرداخته می‌شود؛ تا از این طریق بتوان به پرسش پژوهش که، «چگونه می‌توان هویت زنانه در فرش دست‌باف ایرانی در دوران قاجار و پهلوی را اعتبار بخشید» پاسخی روشن داد. فوکو برای بررسی مستندات، اصطلاح «دیرینه‌شناسی» را برمی‌گزیند؛ تا بتوان مستندات تاریخی را با هر درجه‌ای از وضوح، تعریف نمود.

زنان در دوران قاجار و پهلوی

شواهدی از تاریخ ایران نشان می‌دهد که، سبک زندگی مدرن یا اروپایی در زمان پادشاهان قاجار (۱۷۲۵-۱۹۸۷ میلادی) به ایرانیان معرفی شده است. اگرچه ایران، هرگز مستعمره نشد، اما پادشاهان قاجار مجذوب فرهنگ اروپایی شدند و در نهایت، این کار منجر به پذیرش عقاید و آداب



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش (ماخذ: Grant Hardy, Oswick & Putnam, 2004: 4).

جدول ۱. دستاوردهای اجتماعی زنان در طی ۱۲۲۰-۱۳۲۰ شمسی، ایده اصلی از (ماخذ: Tabari & Yeganeh, 1982).

سال (شمسی)	*****	قدرت سیاسی
۱۲۳۰	فاطمه به اتهام تلاش برای سو قصد به جان ناصرالدین شاه اعدام شد. او یکی از اولین چهره‌های فعال زنان بود. او در سال ۱۱۹۲ متولد شد و جز اولین زنانی بود که در انتظار عمومی کشف حجاب کرد.	ناصرالدین شاه ۱۲۲۶-۱۲۷۴
۱۲۳۸	بی بی خانوم استرآبادی اولین کتاب فمینیستی به نام قحط الرجال را نوشت.	*****
۱۲۳۸	تاج السلطنه، دختر ناصرالدین شاه کتاب خاطرات معروف خود را با نام خاطرات تاج السلطنه نوشت.	*****
۱۲۸۳	اولین تشکل زنان ایجاد شد. محترم اسکندری رییس این تشکل بود.	مظفرالدین شاه ۱۲۷۴-۱۲۸۵
۱۲۸۵ آذر ۲۸	قانون اساسی مشروطه به نتیجه رسید.	*****
۱۲۸۴	انجمن آزادی زنان تاسیس شد (ملی گرایانه / فمینیستی).	*****
۱۲۸۵	طوبی آزموده اولین مدرسه دختران مسلمان با نام ناموس را تاسیس کرد. اگرچه اکثر این آموزه‌ها مذهبی بودند، اما باز هم او مورد توهین و آزار قرار گرفت.	محمدعلی شاه ۱۲۸۵-۱۲۸۷
۱۲۸۸	انجمن ملی بانوان میهن پرست (NSL) تاسیس شد. آن‌ها یک نشریه هفتگی (ملی گرایانه) به نام دانش را منتشر کردند.	احمد شاه ۱۲۸۷-۱۳۰۳
۱۲۸۹	مدرسه دخترانه ترقی توسط ماه رخ گوهرشناس تاسیس شد. برای دو سال اول، او به دلیل عدم دریافت تایید شوهرش، هر گونه تماس خود با مدرسه را از او مخفی نگه داشت.	*****
۱۱ مرداد ۱۲۹۰	حاجی وکیل الرعایا سوال برابری حقوق زنان ایرانی برای داشتن حق رای دادن در مجلس را مطرح کرد.	*****
۱۲۹۱	مریم عمید مزین السلطنه یکی از قدیمی ترین روزنامه‌های زنان به نام شکوفه را اصلاح کرد.	*****
۱۲۹۲	انجمن فارغ التحصیلان مدرسه دخترانه آمریکا با تمرکز بر خدمات اجتماعی و سوادآموزی برای زنان تاسیس شد.	*****
۱۲۹۶	صدیقه دولت آبادی اولین مدرسه دخترانه را در اصفهان افتتاح کرد. او انجمن زنان اصفهان را نیز در همان سال تاسیس کرد.	*****
۱۲۹۸	مجله عالم نسوان شروع به انتشار در تهران می کند.	*****
۱۲۹۹ آسفند ۱۲	رضاخان با کودتای قدرت را به دست گرفت.	*****
۱۲۹۹	فاخر آفاق پارسا، بنیان گذار و سردبیر مجله جهان زنان در مشهد بود.	*****
۱۳۰۰	جمعیت نسوان وطن خواه ایران تاسیس شد. محترم اسکندری که مسئول اصلی این انجمن بود نیز مجله‌ای به نام زنان وطن پرست منتشر کرد.	*****
۱۳۰۲	رضاخان سلسله پهلوی را تاسیس کرد و شاه جدید شد.	رضا شاه پهلوی ۱۳۰۲-۱۳۱۹
۱۳۰۵	زندخت شیرازی مجمع انقلاب نسوان (انجمن زنان انقلابی) را تاسیس کرد. حکومت وقت او را مجبور به تغییر نام این انجمن کرد.	*****
۱۳۰۵	روشنک نوع دوست انجمن پیک سعادت زنان و یک مجله به همین نام را در شهر رشت تاسیس کرد.	*****
۱۳۰۹	مجلس وقت لایحه‌ای را تصویب کرد که سن ازدواج دختران را به پانزده سال رساند و هم چنین، به زنان حق درخواست طلاق داد.	*****
۱۳۱۱	زندخت شیرازی روزنامه دختران ایران را در شیراز منتشر کرد.	*****
۱۳۱۴	سیستم آموزشی ایران برای دختران و پسران به طور مساوی شکل گرفت.	*****
۱۷ دی ۱۳۱۵	به عنوان روز زن و اولین روز رسمی اجرای کشف حجاب توسط رضاشاه اعلام شد.	*****
۱۳۱۵	اولین زنان ایرانی در دانشگاه‌های ایران پذیرفته شدند.	*****
شهریور ۱۳۱۹	نیروه‌های متفقین ایران را اشغال کردند و رضاشاه را مجبور به استعفا به نفع پسرش محمد رضا پهلوی کردند.	*****
۱۳۲۰	جمعیت زنان تاسیس شد. آن‌ها یک نشریه گاه‌نامه لیبرال به نام زن امروز را منتشر کردند که در سال ۱۳۲۳ توقیف شد.	محمد رضا پهلوی ۱۳۲۰-۱۳۵۷

مقارن با پایان قرن ۱۹، بافت فرش به عنوان یکی از مهم‌ترین تولیدات صنعتی محسوب می شد و تعداد زیادی نیروی کار در این زمینه مشغول به کار بودند؛ اما بیشترین شکل تشکیلات در مقیاس‌های کوچک شغل‌های خانگی، زنان بودند که نیروی کار مهمی به شمار می رفتند. بافت فرش در اواخر قرن ۱۹، به طور گسترده توسط زنان در خانه انجام می شده است. بخش اصلی صنعت فرش توسط بافنده‌های

ایرانی نقش مهمی در اقتصاد دوران قاجار داشته‌اند و این به نفع خانواده‌ها، صاحبان شرکت‌ها و دولت بوده است. در مناطق روستایی، بسیاری از زنان در حوزه بافت فرش مشغول بودند. قبل از اکتشافات نفت در ایران در سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۱۴، بیشترین صادرات این کشور را تولیدات کشاورزی، صنایع دستی و نیز تولیدات زنان تشکیل می داد که در بازارهای سنتی و بین‌المللی به فروش می رسید.

این پژوهش بر آن است، تا میان گزاره‌های پراکنده نظمی را تعریف نماید که در نهایت، به اعتباربخشیدن به صورت‌بندی گفتمانی منجر گردد.

فوکو، در دیرینه‌شناسی دانش دو پرسش اساسی را مطرح می‌کند: (۱) کدام قوانین این مجموعه گزاره‌ها را وضع و آن‌ها را به یک دیگر متصل می‌کنند؟ (۲) خاستگاه آن‌ها چیست؟ اما سه رویکرد به این مجموعه پرسش‌ها وجود دارد: رویکرد اول: چه کسی گوینده این گزاره‌هاست؛ رویکرد دوم: از چه سطح و زمینه‌ای صحبت می‌کند؛ رویکرد سوم: جایگاه سوژه با توجه به موقعیت او نسبت به عرصه‌ها یا گروه‌های گوناگون ابژه‌ها چیست (Foucault, 1972: 50-51).

با در نظر گرفتن این سه‌گانه در تحلیل گفتمان فوکویی، به بررسی اعتبار هویت زنانه در گفتمان فرش دست‌باف ایرانی در دوران قاجار موخرو پهلوی اول از سه منظر سوژکتیو (عینی)، ابژکتیو (ذهنی) و تفسیر بصری آن پرداخته شده است؛ یعنی به زنان، وضعیت‌های سوژکتیو، ابژکتیو و مفهومی در فرش دست‌باف این دوران اعطا شده است تا بتوان گفتمان غالب این دو دوره را بازشناسی کرد.

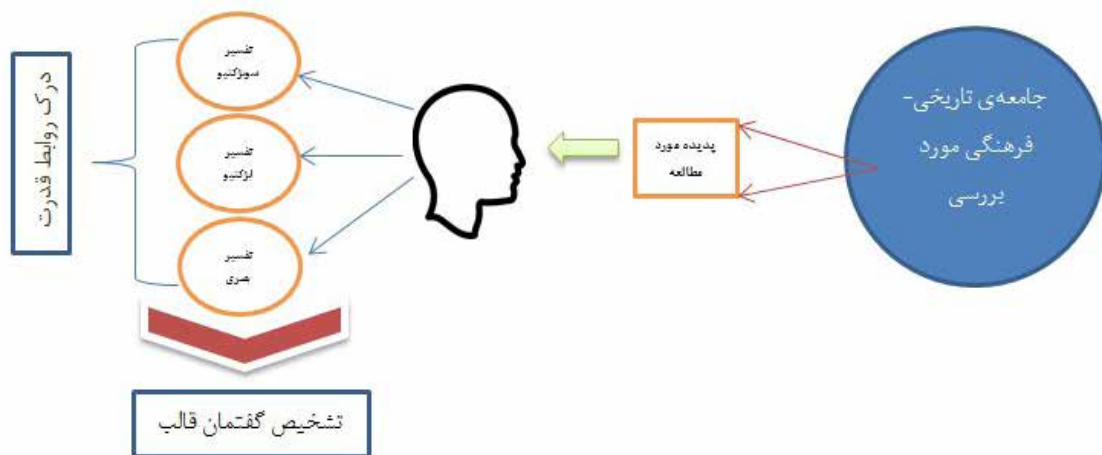
در نهایت، ارزیابی پایانی از موقعیت گفتمانی فرش دست‌باف در دو دوره مذکور در ایران به دست می‌آید. منابع گفتمانی رقیب در برساخت زنانگی در این دوره را می‌توان منابع مکتوب به دست آمده از آن دوران دانست. زیرا این منابع هم‌زمان که گویای گفتمان حاکم بر این دوران محسوب می‌شوند، بیانگر مطالبات جامعه به ویژه زنان نیز می‌باشند. زیرا هویتی که به زن در دوران مدرن اطلاق می‌شود نیز مفهومی مطلق نیست؛ بلکه کاملاً نسبی بوده که در روند تاریخی و درون بافت فرهنگی و سنتی و اجتماعی خاصی تحقق یافته و شدیداً به اجزا و عوامل بافت سازنده‌اش وابسته می‌باشد.

عوامل تشکیل‌دهنده بافت و روابط درونی آنها باهم نیز در فرآیند اطلاق و برساخت هویت زنانه دخیل می‌باشند. بر همین اساس، با گونه‌های مختلفی از هستی‌ها و هویت‌های زنانه روبه‌رو خواهیم بود و قضاوت و تعریف ذات‌پندارانه‌ای از آن نمی‌توان ارائه داد. لذا، زن را در موقعیت‌های مختلف در ارتباطش با فرش دست‌باف قرار داده، سپس، آن را در زمینه تاریخی دوره مد نظر مورد مطالعه قرار داده، تا بتوان گفتمان فرهنگی قالب رادیکر و آن را تحلیل نمود. جهت درک بهتر و شامل‌تر بودن تحلیل گفتمان بر مبنای رویکرد دیرینه‌شناسی، نیاز است تا گزاره‌های تاییدکننده پدیده

خانگی اداره می‌شد که زنان و کودکان بافنده‌های این فرش‌ها بودند (عیسوی، ۱۳۸۸: ۳۰۳). در این دوره، مانند دیگر جوامع اولیه و ماقبل صنعتی که اقتصاد خانگی غالب گشته بود، زنانی که در صنایع دستی مهارت داشتند، برای ازدواج در اولویت بودند و بافتن قالیچه بسیار با ارزش بود. هرچند زنان در اتحادیه‌ها راه پیدا نمی‌کردند و اتحادیه‌ها تمایلی به دفاع از حقوق زنان نداشتند (Abobott & Wal- lance, 2009: 65). در معرفی بافت فرش، ارزش کار زنان در بافت آن شرایط معرفی محصول را کاملاً تغییر می‌داد در حالی که، جایگاه اجتماعی زنان هیچ تغییری نمی‌کرد. از این نظر دختران برای پدران‌شان سرمایه محسوب می‌شدند (مقدم، ۱۳۹۵: ۱۱۷). همواره تاریخ‌نگاری و اقتصاد در مورد مشارکت زنان در تولید و انباشت ثروت و راه‌هایی که حکومت و اقتصاد با همکاری و پشتوانه جامعه مردسالار به کار می‌برد، مسکوت مانده‌اند. هم‌چنین، زنان در فعالیت‌های تولیدی و کارهای خانگی و یا مشاغلی که برای کمک به معاش خانواده خود به آن تن می‌دهند، ساکت مانده‌اند. چه بسا به عقیده پاملرآبوت، در مورد اشتغال زنان، خصوصاً مشاغل خانگی، نمی‌توان به آمار و ارقام اتکا داشت. زیرا در جوامع مردسالار ممکن است مردان به هنگام ثبت فعالیت‌های اقتصادی توسط آمارگیران، تمایلی به ثبت شاغل بودن همسران‌شان نداشته باشند (Abobott & Wallance, 2009: 65). لذا، برای بررسی اهمیت حضور زنان، گفتمان را مناسب‌ترین راه می‌توان به‌شمار آورد. زیرا گفتمان، مجموعه‌ای از پدیده‌های گوناگون را -که به خلق اثر منجر می‌شود- نظام و معنا می‌بخشد و تشخیص تسلط گفتمان حاکم بر شکل‌گیری این آثار و در نهایت، اعطای هویت که در این پژوهش مد نظر ما «هویت زنانه» است، جز با بررسی عناصر معنادار حول گفتمان مد نظر، میسر نمی‌شود.

تحلیل نمونه‌وار گفتمان

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، گفتمان مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که زبانی را برای صحبت کردن نوع خاصی از دانش درباره موضوعی تجهیز می‌کند. این گزاره‌ها با یک دیگر سازگارند و هر گزاره بر تمام گزاره‌های دیگر دلالت می‌کند. فرش دست‌باف ایران در دوران قاجار و پهلوی دچار تحولاتی می‌گردد، که این تحولات، گزاره‌هایی از حضور زنان در عرصه‌های مختلف، علی‌الخصوص در حوزه‌های خرید و تملک و به تصویر درآمدن زنان بر فرش‌ها را صادر می‌نمایند.



شکل ۲- روند چگونگی تحلیل گفتمان زنانه در فرش دست‌باف این پژوهش (ماخذ: نگارندگان).

میلادی، مقارن با سال ۱۳۳۵ هجری شمسی، ۵۷۳۰۰۰ زن جزو جمعیت فعال در بخش اقتصادی بودند؛ که اکثر آنان در کارخانجات بافت فرش، نساجی و نخ‌ریسی استخدام می‌شدند. در سال ۱۹۵۶ میلادی، ۳۴٪ کارگران در بخش صنعتی و در سال ۱۹۶۶، ۴۰٪ آن رازنان تشکیل می‌دادند. در اوایل سال ۱۹۷۰، حدود ۷۰٪ لباس بافی و ۷۲٪ قالی بافی در بخش روستایی انجام می‌شد که اکثر آنان رازنان و دختران انجام می‌دادند (دلریش، ۱۳۷۶: ۴۶). در میان ترکمن‌ها، از زنان بیوه درخواست ازدواج مجدد می‌شد؛ تا در بافتن قالیچه و نگهداری حیوانات کمک برسانند. این زنان و دیگر زنان قبیله، پارچه‌های نخی و پشمی تولید می‌کردند و فرش‌ها را رنگ می‌زدند. علاوه بر این، زنان شاهسون جاجیم می‌بافتند، و به روستائینان می‌فروختند (افشار، ۱۳۶۹: ۷۵). دختران از شش سالگی مشغول بافت فرش می‌شدند. برعکس کشاورزی، بافت فرش در طول سال انجام می‌گرفت؛ که باعث می‌شد زنان به سرعت مبلغی را به دست آورند، حتی برخی اوقات بیش‌تر از مردان کسب درآمد می‌کردند (همان: ۷۶).

رویکرد دوم: تفسیر ذهنی (فرش به عنوان محصول مورد تملک زنان)

گفتنی است رفتار و سبک‌های خرید زنان و مردان با هم متفاوت است و زنان قشر بزرگی از جمعیت را تشکیل می‌دهند، که درگیر سبک‌های خریدند. از عوامل اصلی تاثیرگذار در فرایند خرید نیز می‌توان به ویژگی‌های موقعیتی مصرف‌کننده پرداخت (شفیعی‌رودپشتی و ملک‌شاهی، ۱۳۹۴: ۷۲). اما در دوره قبل مشروطه و در دوران قاجار،

مورد مطالعه را مورد کنکاش قرار داد، مناسبات قدرت را بازشناخت و گفتمان‌های رقیب را تشخیص داد. سپس، به درک وضعیت گفتمانی موجود از آن پدیده رسید.

رویکرد اول: تفسیر عینی (زن در مقام تولیدکننده فرش)

زنان در مقام آفرینش‌گران هنری، بنا به شرایط اجتماعی چندان مجال ظهور نداشته و نیافته‌اند.^۲ زنان بر طبق رویکرد توان‌مندسازی که معطوف به کشورهای جهان سوم می‌باشد، تحت ظلم و ستم بوده و موقعیت آنان با مردان خصوصاً در خانواده برابر نیست (کرمی قهی، ۱۳۹۱: ۴۷). موضوع دیگری که، در رابطه با نقش زنان در دوران پهلوی و قاجار بوده، یک‌سان نبودن جایگاه زنان و مردان است. همان‌طور که مردم‌شناسان، مورخان و جامعه‌شناسان طرف‌دار حقوق زنان بیان کرده‌اند، اقتصاد دوران پیش از صنعتی بر مشاغل خانگی استوار بوده که بر اساس آن، از هر یک از افراد خانواده برای انجام برخی کارها توقع می‌رفت (Reiter, 1975: 27). زنان در طول تاریخ در انواع نظام‌های تولیدی کار کرده‌اند؛ و هنوز نیز در زمان‌هایی در تاریخ، مکتب نظریه‌پردازی زندگی خانوادگی امور خانواده ظهور کرد و زنان را در نقش‌های خانوادگی محدود کرد و کارگران تولیدی را منحصر به مردان اختصاص داد. من این موضوع را به عنوان یک ادغام جنسیتی مردسالارانه تعریف می‌کنم (Moghadam, 1998: 20). در ایران و هر جای دیگری در خاورمیانه، اغلب بر نقش مادرانگی زن و رسیدگی به امور خانه تاکید کرده‌اند. برخی نیز از زنان به عنوان منابع کارآزان در بخش‌های صنعتی، مخصوصاً در بخش صنایع نساجی و تهیه پوشاک بهره می‌بردند. طبق سرشماری سال ۱۹۵۶

جدول ۲. فرش در انواع مایملک زنان در دوران قاجار و پهلوی (ماخذ: گارندگان).

توضیحات	نوع سند	توضیحات	نوع سند
<p>قرارداد ازدواج نوپر آغا، دختر محمد حسین فروشانی، و سید فتح الله، پسر میرزا عبدالله خوزانی الاصل در تاریخ ۱۷ جمادی الثانی ۱۳۵۰ ق.، مصادف ۱۷ آبان ۱۳۱۰ شمسی؛ به صدق معین و مهر مبرهن شامل صد و بیست و پنج تومان پول رایج و پانصد ریال آن برای خرید لباس و فرش و سایر لوازمات مایحتاج (URL1).</p>	 <p>قول نامه ازدواج - دوره پهلوی اول - قرارداد ازدواج نوپر آغا - ابعاد ۱۸ × ۲۰ سانتی متر</p>	<p>قرارداد ازدواج حشمت، دختر میرزا پسر سید ابراهیم، و برات علی، پسر مشهدی سلیمان خوزانی در تاریخ ۲۲ ذی الحجه ۱۳۰۰ ق.، مصادف ۲ آبان ۱۲۶۲؛ با مهریه‌ای شامل بیست و شش تومان و دو هزار و پانصد دینار پول سفید، صد و چهل تومان پول پانزده تومن برای خرید فرش و شیربها تسلیم کند (URL1).</p>	 <p>قولنامه ازدواج - دوره ناصرالدین شاه - قرارداد ازدواج حشمت - ابعاد ۱۶.۵ × ۲۱ سانتی متر</p>
<p>صورت جهاز کربلایی گوهر خانم، دختر مرحوم حاجی محمدحسن ۱۷ جمادی الاول ۱۲۹۰ ق.، مصادف ۲۲ تیر ۱۲۵۲ شمسی؛ شامل ظروف نقره آلات، مسینه آلات، بلور، وسایل منزل و آشپزخانه، رختخواب، فرش، البسه، و وسایل حمام (URL1).</p>	 <p>پشه نامه - دوره ناصرالدین شاه - پشه نامه گوهر خانم - ابعاد ۲۱.۵ × ۲۶.۵ سانتی متر</p>	<p>نکاح نامه معصومه خانم، دختر آقا محمد علی، و قدمعلی، پسر آقا علی ۲۴ شعبان ۱۳۴۵ ق.، مصادف ۱۷ اسفند ۱۳۰۵ شمسی؛ با مهریه به میزان هشتاد و نه تومان. به انضمام یک دست رخت خواب دوخته با چادر شب مقوم به مبلغ ده تومان، دو تخته نمذ فرش و یک فرد گلیم مقوم به پانزده تومانیست سند مصالحه معصومه خانم با پدر همسر خود، آقا علی، به تاریخ بیست و سوم جمادی الاول ۱۳۵۶ (URL1).</p>	 <p>نکاح نامه - دوره پهلوی اول - نکاح نامه معصومه خانم و قدمعلی - ابعاد ۳۲.۵ × ۶۲ سانتی متر</p>

باری سندبول (Sandywell, 2011: 51) بیان می‌کند که، اگرچه مدت هاست از ابداع تصاویر توسط انسان‌ها می‌گذرد، با این حال، تمایل جامعه معاصر برای دستیابی سریع به دانش از طریق تصاویر مسحورکننده و تولید انبوه آن‌ها، اهمیت تصاویر بصری را در جامعه افزایش داده است. در واقع، یک تصویر ذاتا، گویای برقراری ارتباط می‌باشد (Hep-worth, 2016: 289)، زیرا تصاویر اساسا، به زبان دیگری برای برقراری ارتباط تبدیل می‌شوند.

نخستین تصاویری که از زنان ایرانی داریم، در قالب نقاشی‌های دیواری کاخ‌ها و مراکز سلطنتی می‌باشد (محمدطالبی طرمزدی و ولی بیگ، ۱۳۹۷: ۳۱)؛ و اما بارزترین تصویری که از زن [شرقی] در دوران پیش از نوشتار (نوشتن زن) ارائه شده است، تصویر «شهرزاد» قهرمان داستان‌های هزار و یک شب است (غذامی، ۱۳۹۵: ۶۱). در نقاشی دیواری کوه خواجه (سیستان) نیز می‌توان استفاده از نقش زن (ملکه) را - که در کنار نیم رخ شاه، زیر چتر شاهانه ایستاده است - دید (افشار، ۱۳۶۹: ۵۸۳)؛ و در جریان هنرقالی بافی ایران، در فاصله قرن‌های ۱۳ و ۱۴ قمری، قالیچه‌هایی که در طرح و نقش خود، تصویر انسان را دست‌مایه کار خویش قرار

جایگاه زن از منزلت بالایی برخوردار نبود. این موضوع در قدرت خرید آنها تاثیر بالایی می‌گذاشت. اما فرش دست‌باف همواره، بخشی از دارایی زنان ایرانی را به خود اختصاص می‌داده است و در هاله‌ای از مایملک زنان ایرانی قرار داشته است. فشانامچه‌ها همان پشه‌نامه‌نویسی در ایران پس از دوران صفوی مرسوم شد که نمونه‌های قابل استناد و کثیر آنها از دوران قاجار به بعد در دسترس هستند. تفسیر ابژکتیو، به موضوع فرش در انواع بساط‌های مربوط به زنان می‌پردازد. چه بسا، در قراردادهای ازدواج، نکاح نامه‌ها، پشه‌نامه‌ها، اموال و وصیت‌نامه‌های به دست آمده از زنان طبقه مرفه و غیر مرفه، همواره، فرش دست‌باف حضور پررنگ داشته است؛ که در جدول ۲ آمده است.

رویکرد سوم: تفسیر مفهومی (زن در مقام تصویر و موضوع اثر هنری)

دانش از طریق گفت‌وگو‌هایی شکل می‌گیرد که آن را دگرگون و تعریف می‌کنند. در طول تاریخ تمدن، انسان‌ها از تصاویر برای ترویج ایده‌ها و خود حتی با وجود برخی چشم‌پوشی‌های صورت گرفته در آن استفاده می‌کردند.

جدول ۳. نمونه‌هایی از دست‌بافته‌های روسیایی و عشایری با مضمون تصویرزن (دوره قاجار و پهلوی) (ماخذ: نگارندگان).

	چفته قشقایی، تمام پشم، نقشه آدمکی (مجموعه شخصی یوسف صمدی بهرامی). ^۳		نقش زن، به صورت تجریدی بر توره شاهسون مغان، تمام پشم (مجموعه شخصی یوسف صمدی بهرامی).
	فرش بزردار، جنس: بزر پشمی و تار و بود پنبه، تصویر زن، اسلامی، گه یکی بلقیس و قتیله ناخرانا هستند. حدود ۱۳۳۹ ه.ش، احتمالاً اطراف ملایر (مجموعه شخصی Bahri Cognar ترکیه). ^۴		زن و حیوانات، پرده و زمین، تمام پشم (مجموعه شخصی یوسف صمدی بهرامی).
	نمکدان شاهسون ساوه، گر و دار و بزر دار (مجموعه شخصی یوسف صمدی بهرامی).		قالیچه‌ای با تصویر زنی در کنار حیوانات، قالیچه در خش، تار و بود پنبه، تمام پشم، بافت شهری با نقوش ایلپاتی (مجموعه شخصی یوسف صمدی بهرامی).
	چفته نصر آباد بختیار، تار و بود پنبه، بزر پشم (مجموعه شخصی یوسف صمدی بهرامی).		رقص زن در میان سفره شوشتر، تمام پشم (مجموعه شخصی یوسف صمدی بهرامی).
	نمکدان شاهسون ساوه، تار و بود پنبه، گر و دار و بزر دار، گر و پشمی (مجموعه شخصی یوسف صمدی بهرامی).		قالیچه افشاری با طرح زن عشایری اطراف سیرجان پهلوی دوم.
	تصویر زنی در حال حمل گوزه، پستی از می، اثر پشم و پشم، فر اهل (مجموعه شخصی یوسف صمدی بهرامی).		نمد روسی ترکیمن (بالا)، قسمتی از همان نمد (پایین)، نقش رقص باران (مجموعه شخصی یوسف صمدی بهرامی).

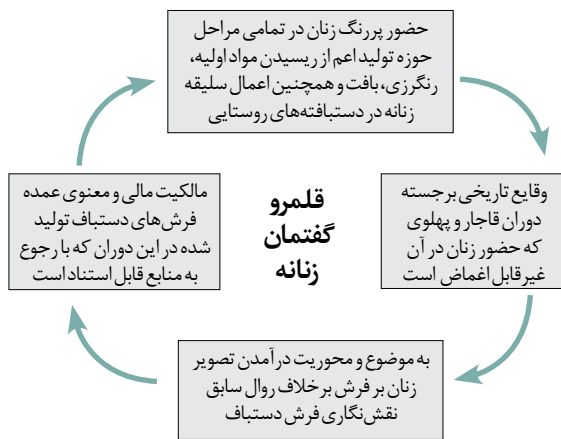
آمده‌اند (یحیوی، ۱۳۹۲: ۱۰۵). تصاویر دست‌بافته‌ها، شرایط زن و نوع نگاه آنها به خویش و نیز نوع نگاهی را که به آنها می‌شود، بازتاب می‌دهند و بازتاب نگاه زنان هر جامعه، بازتاب‌دهنده شرایط و وضعیت آن جامعه می‌باشد. قالیچه‌های تصویری به دست آمده از دوران قاجار و پهلوی را

می‌دادند، رواج یافت (کشاورز افشار و سامانیان، ۱۳۸۶: ۹۲). قالیچه‌هایی که موضوع آنها را زنان زیبا تشکیل می‌دهند یکی از گروه‌های کوچک قالیچه‌های تصویری می‌باشند که در محدوده زمانی اواخر قاجار تا اوایل پهلوی - که مصادف با برخی رویدادهای اجتماعی در ایران است - به وجود

است و گاه، تصویری که از زنان ایرانی ترسیم می‌شد، با این تصاویر تفاوت زیادی داشت. فرش‌های عشائری و روستایی با تصاویر شکسته و انتزاعی و گاه، نیمه هندسی که گاه، با تک چهره‌ای استلیزه شده از یک یا چند تصویر سمبلی از زنان و مردان در متن فرش می‌باشند؛ که در این جا، نمونه‌های زنانه آن آورده شد (جدول‌های ۳ و ۴).

بحث

با توجه به مدل مفهومی پژوهش در جهت تعیین قلمرو گفتمان، از منظر تاریخی به وقایع حول فرش دست‌باف و زنان در دوران قاجار و پهلوی پرداخته شد. شکل ۳، خلاصه‌ای از روند رسیدن به یک قلمرو گفتمانی در پژوهش حاضر می‌باشد. لازم به ذکر است که، قلمروهای گفتمانی ثابت و مانا نیستند؛ بلکه تحت شرایطی خاص می‌توان به مجموعه‌ای از عناصر، خاصیت گفتمانی بخشید و گفتمان‌ها ناپایدار و تحت تغییرند. در تحلیل گفتمان زنانه حول فرش دست‌باف ایران با روش دیرینه‌شناسی فوکو در دوران مورد بررسی، سعی در اعتبار بخشیدن به هویت زنانه در فرش دست‌باف ایرانی شده است. با توجه به روش ذکر شده، فوکو معمولاً، مجموعه‌ای از متون جمع‌آوری شده از یک دوره تاریخی معین را بر اساس شرایط امکان ساخت آن توصیف می‌نماید. بنابراین، آن را از مجموعه‌ای از متون ایستا به



شکل ۳- گزاره‌های اعتباربخشی به قلمرو گفتمان زنانه در فرش دوران قاجار و پهلوی (ماخذ: نگارندگان).

مجموعه‌ای از روابط و نهادها تغییر می‌دهد که به تداوم وجود گزاره‌ها کمک می‌نماید. در تحقیق پیش رو کاربست روش دیرینه‌شناسی فوکو به همین ترتیب از مستندات جمع‌آوری شده در رابطه با زنان و فرش دست‌باف در دوره تاریخی معین، آنان را به مجموعه‌ای از روابط و نهادها بدل

	قالیچه خسرو و شیرین، آراک، قاجاری (فتحی، ۱۳۹۰: ۲۸).
	قالیچه لیلی و مجنون، قاجاری (همان).
	قالیچه تصویری عمر خیام، بافت تبریز، پهلوی اول موزه فرش ایران (همان).
	فرش لیلی، کرمان، پهلوی اول (همان).
	نیم تنه زن بر روی فرش کرمان اوایل قرن ۱۴ قمری (صفاران، بحبوی و حاتم، ۱۳۹۶: ۱۳).
	رو زنبی با نقش زن، اواخر قاجار (همان).

جدول ۴. نمونه‌هایی از دست‌بافته‌های شهری با مضمون تصویر زن (ماخذ: دوره قاجار و پهلوی).

که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند- می‌توان ذیل دو گروه عمده شهری یا روستایی جای داد. فرشهای شهری با تصویرپردازی به سبک رئالیستی و واقع‌گرا و عمدتاً، با مضامینی نظیر داستان، افسانه، پادشاهان و درباریان که تأثیر مراودات با کشورهای اروپایی در آنها بسیار نمایان

کرده و بدین صورت، گزاره‌هایی را حول قلمرو گفتمان زنانه به گردش درآورده است، تا به این گفتمان و هویت فرهنگی و اجتماعی زنانه‌اش هویت بخشد. این امر با اعطای درجات متفاوت به زن در رابطه‌اش با فرش دست‌باف و سپس، بررسی آن در بستر تاریخی مورد نظر، منجر به اعتبار بخشی به فرض این پژوهش شده است که همانا، وجود گفتمان زنانه در فرش دست‌باف دوران قاجار و پهلوی است.

نتیجه‌گیری

در تحلیل‌های تاریخی و جامعه‌شناسی، اغلب زنان نادیده گرفته شده‌اند و تصویر کژدیسه‌ای از آنان به دست آمده است. زیرا همواره در حاشیه تحلیل‌ها و پژوهش‌ها قرار داشته‌اند. منظور، حذف زنان از نمونه‌های پژوهشی نیست؛ بلکه ناکارآمدی‌های نظام‌مندی در زمینه‌های مرد محورانه متداول در قرون گذشته وجود داشته است که پرداختن به مساله زنان، هویت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان را با چالش‌هایی روبه‌رو می‌کنند. به طور مثال، ما می‌دانیم که زنان در فرش دست‌باف و حوزه‌های مرتبط با آن نقش پررنگی داشته‌اند؛ اما چگونگی این حضور و جزئیات آن مشخص نیست. در تاریخ اعصار گذشته، حتی در نمونه‌هایی که زنان را وارد مقولات پژوهشی می‌کنند از دیدگاهی است که مرد را معیار متداول و متعارف می‌داند. غنای مطالب و اسناد تاریخی در ارتباط با وقایع روزمره مردان نسبت به زنان در تاریخ آن چنان بالاست که کوچک‌ترین فعالیت‌های روزمره ایشان در جریده تاریخ ثبت و ضبط شده است. اما زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه، کم‌تر از غنای اسناد مکتوب بهره‌برده و اغلب تاریخ ثبت شده برای ایشان، تاریخ شفاهی است. هدف اصلی این مقاله، بیرون کشیدن زنان از انزوای تاریخی آن دوران و هویت بخشیدن به فعالیت‌های ایشان و گردآوری مکتوبات، گزاره‌ها و عناصر و وارد کردن آنها در قلمرو گفتمانی است؛ تا بتوان هویت اغماض‌گردیده زنان دوران قاجار و پهلوی را بازخوانی کرد. لذا، در پژوهش پیش‌رو، با تکیه بر روش گفتمانی میشل فوکو و اتخاذ نحوه

پاسخ‌دهی سه‌گانه در دیرینه‌شناسی، گزاره‌های مربوط به فرش دست‌باف ایران در دو دوره قاجار و پهلوی اول مورد بررسی قرار گرفت. گزاره‌هایی که نحوه کارکرد آنان ذیل پرداختن به روایت‌های تاریخی هویدا می‌شود، تا پاسخی برای پرسش اصلی پژوهش یافت که همانا، در جستجوی اعتبار بخشی به هویت زنانه در فرش دست‌باف ایران است. هویتی که قایم به ذات نبوده و همواره، ذیل خویشان و محارم مرد ایشان به دیگران شناسانده شده است. هم‌چنین، بیان گزاره‌هایی که شاید بتوان در تحقیقات آتی به طور دقیق‌تر و مفصل‌تری آنها را مورد تعمق قرار داد. شاید معنای تک‌تک این گزاره‌ها از اهمیت چندانی برخوردار نباشد، اما چگونگی درآمیختن و وحدت میان آنها مهم است. جهت پاسخ به پرسش پژوهش که چگونه می‌توان هویت زنانه در فرش دست‌باف ایرانی در دوران قاجار موخر و پهلوی اول را اعتبار بخشید، با اعطا کردن سه موقعیت خاص به زنان در ارتباط با فرش دست‌باف، ردپای زنانه در وجوه مرتبط فرش دست‌باف بیان شده و قلمرو گفتمانی زنانه فرش دست‌باف آن دوران مورد تحلیل قرار گرفت. هرچند نظریه‌های گفتمانی همواره، در معرض تغییر و تبدیل و ناپایداریند؛ اما با توجه به داده‌های مورد مطالعه و نقش غیرقابل اغماص زنان در گفتمان‌های اقتصادی، فرهنگی، سلیقه و بازنمایی فرش دست‌باف و نیز ارتباط تنگاتنگ با تمامی ابعاد آن، از مراحل رسیدن پشم و ابریشم گرفته تا مراحل تولید، دایره تملیک و حتی نقوش آن در دو دوره مورد بررسی، همگی به اعتبار بخشی هویت زنانه در قلمرو گفتمان فرش دست‌باف ایرانی کمک شایانی می‌نمایند. از آنجا که حضور همه جانبه زنان در حوزه فرش دست‌باف ایرانی مفروض است، روش دیرینه‌شناسی فوکو به کشف و بازشناسی تاریخ آشفته سیستم‌های دانش کمک شایانی مینماید. لذا، هویت پیرنگ زنانه در متن فرش دست‌باف ایرانی در دوران مزبور رانمی‌توان انکار کرد و با ذکر و جمع‌آوری مستندات و گزاره‌های تاریخی، می‌توان جایگاه هویت فرهنگی زنانه را در آن، تثبیت و درک نمود.

پی‌نوشت

1. Michel Foucault.

۲. جز در آغاز تاریخ و نیز در مواردی خاص از مصادیق هنری چون رقص‌های آیینی و ادبیات، آن هم به صورت محدود.
۳. سیاهه و ریز تمام جهیز عروس که به امضای داماد رسانند و به کسان عروس دهند.
۴. مراجعه حضوری به سرای بهار، محل نگه‌داری این قالیچه‌ها توسط مجموعه دار و عکسی از آن‌ها توسط نگارندگان.
۵. پس از مکاتبات با مجموعه‌دار، این تصویر توسط پست الکترونیکی در اختیار نگارندگان قرار گرفت.

منابع

- افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۶۹). *سیستان نامه*، تهران: مرغ آمین.
- ایمانی، الهه؛ طلووسی، محمود؛ چیت‌سازیان، امیرحسین و شیخ‌مهدی، علی (۱۳۹۴). «گفتمان باستان‌گرایی در نقوش قالی‌های تصویری دوره قاجار»، *گلجام*، دوره ۱۱، شماره ۲۸، ۲۳-۳۸.
- بلخاری، حسن (۱۳۸۹). «زن و هنر»، مطالعات راهبردی زنان (کتاب‌زنان)، دوره ۱۲، شماره ۴۷، ۱۷۱-۱۹۶.
- حاجلی، علی (۱۳۹۵). «فوکو، گفتمان، تحلیل گفتمان»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱۲، شماره ۴۲، ۶۳-۸۸.
- دلریش، بشری (۱۳۷۶). *زن در دوره قاجار*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری دفتر مطالعات دینی هنر.
- ذکایی، محمد سعید؛ امن‌پور، مریم و اکبری، اندیشه (۱۳۹۸). «دیرینه‌شناسی برساخت‌زنانگی در ایران از عصر مشروطه تا پایان پهلوی اول»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۲۰، شماره ۴، ۸۶-۱۱۵.
- شفیع‌رودی‌پشتی، میثم و ملک‌شاهی، فاطمه (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی خرید زنان در صنعت پوشاک (مورد: زنان شهر تهران)»، پژوهش‌نامه زنان، دوره ۲، شماره ۶، ۶۷-۸۶.
- صفاران، الیاس؛ یحیوی، پریسا و حاتم، غلامعلی (۱۳۹۶). «بازشناسی قالی‌های تصویری کرمان (دوره‌های قاجار و پهلوی)»، *جلوه هنر*، دوره ۹، شماره ۱، ۵۹-۷۰.
- عیسی، چارلز (۱۳۸۸). *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره ایران.
- غذامی، عبدالله (۱۳۹۵). *زن و زبان*، تهران: گام‌نو.
- فتحی، محمدرضا (۱۳۹۰). *بررسی تطبیقی تصویر انسان در نقاشی‌ها و قالی‌های تصویری دوران قاجار*، کارشناسی ارشد نقاشی، تهران: دانشکده هنر دانشگاه شاهد.
- کرمی‌قهی، محمدتقی (۱۳۹۱). «تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۴، شماره ۱۳، ۴۱-۷۵.
- کشاورز افشار، مهدی و سامانیان، صمد (۱۳۸۶). «تحلیل شمایل‌شناسانه قالیچه تصویری حضرت مریم (س) و حضرت مسیح (ع)»، *گلجام*، دوره ۴، شماره ۸، ۹۱-۱۰۶.
- محمدطالبی طرمزادی، مرضیه و ولی‌بیگ، نیما (۱۳۹۷). «مطالعه مقایسه‌ای تصویر زن از دیدگاه هندسی در دیوارنگاره‌های کاخ‌ها و خانه‌های اصفهان»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۱۰، شماره ۱، ۲۹-۴۶.
- مقدم، والناتین (۱۳۹۵). «پنهان در تاریخ: زنان و نقش اقتصادی آنان در ایران عصر قاجار و پهلوی»، ترجمه سید حسن قریشی کرین و خدیجه پهلوانی، *تاریخ‌نو*، دوره ۱۶، شماره ۳، ۷۹-۱۲۷.
- نوری، اکرم؛ موسی‌نژاد خبیصی، هما و کشاورز افشار، مهدی (۱۳۹۹). «بررسی تصویر زن در قالی-های عشایری نقش‌نه زن با تاکید بر مولفه اجتماعی پوشش زنان عشایری»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۱۲، شماره ۲، ۲۵۱-۲۶۶.
- یحیوی، پریسا (۱۳۹۲). *مطالعه سبک‌سیر تحول هنر طرح و نقش فرش کرمان (نمونه موردی، فرش دوره‌های قاجار و پهلوی)*، کارشناسی ارشد پژوهش هنر، تهران: دانشکده هنر و معماری، دانشگاه پیام‌نور مرکز شرق تهران.
- Abbott, P., Cler, W. (2009). *Sociology of Women*. London: Routledge.
- Foucault, M. (1972). *The Archaeology of Knowledge and the Discourse on Language*, Translated from French by A.M. Sheridan Smith, New York: Pantheon.
- Foucault, M. (1977). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*. New York: Sage.
- Foucault, M. (1978). *The History of Sexuality: An introduction*. New York: Vintage.
- Foucault, M. (1990). *History of Sexuality, Introduction*. London: Penguin.
- Grant, D, Hardy, Oswick, C, & Putnam, L. (2004). *The SAGE Handbook of Organizational Discourse*. New York: Sage Publications.
- Hepworth, K. (2016). *History, Power and Visual Communication Artefacts*. *Rethinking History*, 20(2), 280-302.
- Jomepour, R. (2015). *Women in Iran: Ancient History to Modern Times, and Back*, Master of Fine Arts, Iowa: Iowa State University, Iowa.
- Moghadam, V. (1998). *Women, Work, and Economic Reform in the Middle East and North*. Boulder: Lynne Rienner Pub-

lishers.

- Najmabadi, A. (1996). Is our Name Remembered?: Writing the History of Iranian Constitutionalism as if Women and Gender Mattered. *Iranian Studies*, 29(2), 85-109.
- Najmabadi, A. (2005). *Women with Mustaches and Men without Beards, Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity*, First Edition, Random House: University of California Press.
- Noori, A., Mousanejhad Khabisi, H., Keshavarz Afshar, M. (2020). Image of Women in Nomadic Carpets; the Motif of "Nine Women" with Emphasizing on the Social Component of Nomadic Women's Clothing, *Journal of Woman in Culture Arts*, 12(2), 251-266.
- Reeves, M. (1989). *Female Warriors of Allah: Women and the Islamic Revolution*, NY: E.P. Dutton.
- Reiter, R. (1975). *Toward an Anthropology of Women*, New York: Monthly Review
- Sandywell, B. (2011). *Prologues. Dictionary of visual discourse: A Dialectical Lexicon of Terms*. New York & London: Routledge.
- Tabari, A., Yeganeh, N. (1982). *In the Shadow of Islam*, London: Zed Press.
- Wodak, R., Meyer, M. (Eds.). (2015). *Methods of Critical Discourse Studies*, New York: Sage.

URLs:

- URL1. [https://iif.lib.harvard.edu/manifests/view/drs:434984707\\$1i](https://iif.lib.harvard.edu/manifests/view/drs:434984707$1i) (Access Date: 2020/05/14)

Feminine Discourse in Handwoven Carpets of Qajar and Pahlavi Eras

Abstract:

Iranian handwoven carpet is a phenomenon that carries the history, culture, tradition and civilization of Iran. But one of the less addressed issues is the women in the field of handwoven carpets. Since handwoven carpets have always been intertwined with women's lives, the main issue of research is to identify the female discourse in handwoven carpets and to articulate the effective elements of this discourse in Qajar and Pahlavi eras in Iran. Since handwoven carpet has always been considered masculine and women have not been looked at, more deeply than in the role of the weaver or the subject of the image in the pictorial carpets that were part of the productions of these two periods, this article tries to drag out the importance of the women's role in Iranian patriarchal society of those days. In this study, based on Foucault's theories, a set of propositions producing knowledge in the field of women and carpet weaving in the Qajar and Pahlavi eras have been studied. However, Foucault had not clearly explained how the research must be conducted following the discourse, and it is difficult to find an easy guide to implement in social research inspired by his work. Foucault uses archeology and genealogy in two major stages of his methodology. In archeology, Foucault focuses on the inner dimension of discourse and shows no interest in examining non-discourse elements. So, The present study emphasizes the method of Foucault's archeology and does not include genealogy as one of its components. The present study deals with the prevailing conditions in the Qajar and Pahlavi eras, especially in relation to the situation of women. According to Foucault's theory, in each period of epochs, a special discourse governs the behavior and actions of people and is accompanied by a series of discourse strategies that are inextricably linked with language and with the collapse of any system. Therefore, women in relation to handmade carpets in the two periods of Qajar and Pahlavi have been discussed and some power relations have been mentioned as well. In this regard, women have been analyzed in relation to handwoven carpets from three perspectives: 1) subjective; 2) objective and 3) the subject of the work. Also, an attempt has been made to discover the relationships of elements related to women and how to create meaning and discourse in the carpet. Also, the purpose of this study is to answer the following question: What was the position of women in Iranian handmade carpets during the Qajar and Pahlavi eras? The research method is qualitative and in terms of method of implementation

Document Type:

Original/Research/Regular Article

Receive Date: 05 August 2021

Accept Date: 24 November 2021

Sepideh Taravatimahjoubi

PhD Candidate of Art Research,
Faculty of Art, Alzahra University,
Tehran, Iran.

Email:sepidehtaravati@gmail.com

Fatemeh Kateb

Full Professor, Art Research Department,
Faculty of Art, Alzahra University,
Tehran, Iran.

Email:f.kateb@alzahra.ac.ir

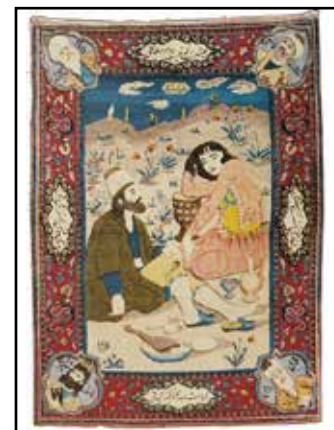
Mehdi Keshavarz Afshar

Assistant Professor and Faculty
Member of Art Research Department,
Faculty of Art, Tarbiat
Modares University, Tehran, Iran.

Email:m.afshar@modares.ac.ir

DOI:

10.22051/jtpva.2021.37169.1327



is descriptive-analytical-historical. To study and understand past events, look at the causes, effects or trends of past events that helps to clarify current events and predict the future ones, Michel Foucault's archeology theory has been used as a theoretical framework and also as the conceptual model of the research to analyze the data and to respond to the problems. Considering the latter triad in Foucault's discourse analysis, the Iranian hand-woven carpet in the Qajar and Pahlavi eras has been studied from three perspectives. That is, women have been given subjective, objective, and conceptual situations in the handmade carpets of these two periods in order to recognize the dominant discourse of these two periods.

Finally, a final assessment of the discourse position of handmade carpets in the two mentioned periods in Iran is obtained. Rival discourse sources in the construction of femininity in this period can be considered as written sources obtained from that period. Because these sources, which are at the same time expressive of the ruling discourse of this period, also express the demands of society, especially women. Because the identity that refers to women in modern times is not an absolute concept, but it is completely relative, which is realized in the historical process and within a certain cultural, traditional and social context, and is strongly dependent on the components and factors of its constituent context. The constituents of the context and their internal relations with each other are also involved in the process of application and construction of female identity. Accordingly, we will be confronted with different kinds of female beings and identities, and it is not possible to judge and define the conceptual nature of it. Therefore, woman is placed in different situations in relation to the handwoven carpet, then studied in the historical context of the period in order to understand the dominant discourse and at the same time, to recognize the power relations. In order to better understand and include discourse analysis based on the archaeological approach, it is necessary to explore the propositions confirming the phenomenon under study, to recognize power relations, and to identify competing discourses. Then to understand the current discourse of that phenomenon. In historical and sociological analyzes, most women have been ignored and a distorted image of them has been obtained because they have always been on the margins of analysis and research. This is not just because of the exclusion of women from research examples, but also as a result of the systematic prejudices and inefficiencies that exist in common male-centered contexts. Even in the examples that include women in research categories, it is from a perspective that considers men as a common standard. Women are related to all aspects of Iranian handwoven carpets in the historical period under study, and according to the documents collected. Relying on the discourse method of Michel Foucault and adopting a triple response method in archeology, the propositions related to Iranian handmade carpets in the Qajar and Pahlavi periods were examined. Propositions whose function is revealed by dealing with historical narratives. Until the answer to the main question was found, which is looking for the place of women in Iranian handmade carpets. The richness of historical material and documents related to the daily events of men compared to women in history is so high and even the smallest daily activities of men have been recorded in the history. But women, as the half of the population, enjoy less of the richness of written documents, and the recorded history for them is often an oral history. The main purpose of this article is to take women out of the historical isolation of that time and to identify their activities and to record propositions and elements in writing and to include them in the realm of discourse to recite the forgotten identity of women living in the patriarchal society of that era. An identity that is not inherent in nature and has always been introduced to others by her male relatives. Also, the expression of propositions that may be considered more accurately and in detail in future research. The meaning of each of these propositions may not be important, but how they are combined and united is important. In order to answer the research question, which was to find the position of women in the field of handmade carpets in the two mentioned periods, by granting three special positions to women in relation to handmade carpets, women's footprints were observed in all related aspects of handmade carpets. Although discourse theories are always subject to change and transformation and unstable; However, according to the studied data, the role of women in economic, cultural discourses, tastes and representations of handmade carpets and looking at all its dimensions, from the stages of spinning wool and silk to the stages of production, ownership circle and even its designs in In both Pahlavi and Qajar periods, it can be said that the element of femininity has always been alive and well in the field of Iranian handwoven carpets. Therefore, the position of women in the context of Iranian handwoven carpets in this period cannot be denied.

Keywords: Feminine Discourse, Handwoven Carpets, Foucault, Femininity

References:

- Abbott, P., Cler, W. (2009). *Sociology of Women*. London: Routledge.
- Afshar (Sistani), I. (1990). *Sistan Nameh*. Tehran: Morgh Amin Publications.
- Bolkhari, H. (2010). *Women and Art. Women's Strategic Studies*. Spring. 47. 171-196.
- Delrish, B. (1997). *Woman in Qajar Period*. Tehran: Hozeh Honari.

- Fathi, M. (2011). *Comparative Study of Human Image in Paintings and Pictorial Carpets of Qajar Period*. Master Thesis of Painting. Faculty of Arts. Shahed University, Tehran.
- Foucault, M. (1972). *The Archaeology of Knowledge and the Discourse on Language*. (Translated from French by A.M. Sheridan Smith). New York: Pantheon.
- Foucault, M. (1977). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*. New York: Sage.
- Foucault, M. (1978). *The History of Sexuality: An introduction*. New York: Vintage.
- Foucault, M. (1990). *History of Sexuality, Introduction*. London: Penguin
- Ghazami, A. (2016). *Woman and Language*. (Translated by H. Odeh Tabar). Tehran: Gameno.
- Grant, D., Hardy, Osrick, C., & Putnam, L. (2004). *The SAGE Handbook of Organizational Discourse*. New York: Sage Publications.
- Hajli, A. (2016). Foucault, Discourse, Discourse Analysis. *Cultural Studies & Communication*. May. 42. 63-88.
- Hepworth, K. (2016). History, Power and Visual Communication Artefacts. *Rethinking History*. August. 2. 280-302.
- Imani E., Tavooosi, M., Chitsaziyan, A., Sheykh Mehdi, A. (2016). The Discourse of Archaism in Persian Pictorial Rugs during Qajar Era. *Goljaam*. Autumn and Winter. 28. 23-38
- Issawi, Ch. Ph. (1971). *The Economic History of Iran: 1800-1914*. (Translated by Y. Azhand). Tehran: Gostareh Iran.
- Jomepour, R. (2015). *Women in Iran: Ancient History to Modern Times, and Back*. Master of Fine Arts. Iowa State University, Iowa.
- Karami Ghahi, M. T. (2012). Discourse Analysis of Three Development Plans Based on an Approach of Family and Women. *Social Development & Welfare Planning*. Winter. 13. 41-75.
- Keshavarz Afshar, M., Samanian S. (2008). Rug as Icon Iconographical Analysis of Case Study: Pictorial Rug of "Madonna and Jesus Christ". *Goljaam* Autumn. 8. 91-106.
- Moghadam, V. (1998). *Women, Work, and Economic Reform in the Middle East and North*. Boulder: Lynne Rienner Publishers.
- Moghadam, Valentine (2016). Hidden in History; Women and their Economic Role in Qajar and Pahlavi Eras, Translated by Seyyed Hassan Qureshi Karim and Khadijeh Pahlavani. *Quarterly Journal of New History*. Autumn. 16. 79-127
- Mohammad Talebi Tarmazdi, M., Valibeig, N. (2018). A Comparative Study of Women's Motif in the Mural Painting of Palaces and Houses in Isfahan. *Journal of Woman in Culture Arts*. April. 1. 29-46.
- Najmabadi, A. (1996). Is our Name Remembered?: Writing the History of Iranian Constitutionalism as if Women and Gender Mattered. *Iranian Studies*. Winter-Spring. 1-2. 85-109.
- Najmabadi, A. (2005). *Women with Mustaches and Men without Beards, Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity*. Random House: University of California Press.
- Noori, A., Mousanejhad Khabisi, H., & Keshavarz Afshar, M. (2020). Image of Women in Nomadic Carpets; the Motif of "Nine Women" with Emphasizing on the Social Component of Nomadic Women's Clothing. *Journal of Woman in Culture Arts*. July. 2. 251-266.
- Reeves, M. (1989). *Female Warriors of Allah: Women and the Islamic Revolution*. NY: E.P. Dutton.
- Reiter, R. (1975). *Toward an Anthropology of Women*. New York: Monthly Review.
- Saffaran, E., Yahyavi, P., Hatam, Gh. (2017). Recognition of Kerman Pictorial Carpet (Qajar and Pahlavi). *Glory of Art (Jelve-y Honar) Alzahra Scientific Quarterly Journal*. September. 1. 59-70.
- Sandywell, B. (2011). Prologues. *Dictionary of Visual Discourse: A dialectical lexicon of terms*. New York & London: Routledge
- ShafieeRoodposhti, M., & Malekshahi, F. (2015). Women Purchasing Behavior Styles in Textile Industry: A Case Study of Tehrani Women. *Women Studies*. March. 0. 67-86.
- Tabari, A., Yeganeh, N. (1982). *In the Shadow of Islam*. London: Zed Press.
- Wodak, R., Meyer, M. (Eds.). (2015). *Methods of Critical Discourse Studies*. New York: Sage.
- Yahyawi, P. (2013). *Study of the Evolution of Kerman Carpet Design* (Case Study: Qajar and Pahlavi Periods). Master Thesis in Art Research. Faculty of Art and Architecture. Payame Noor University of East Tehran, Tehran.
- Zokaei, M. S., Amenpour, M., Akbari, A. (2019). Archeology of Femininity Construction in Iran since Constitutionalism to the End of Pahlavi the First. *Iranian Journal of Sociology*. January. 4. 86-115.

URLs:

- [https://iif.harvard.edu/manifests/view/drs:434984707\\$1i](https://iif.harvard.edu/manifests/view/drs:434984707$1i) (Access Date: 2020/05/14)
- [https://iif.harvard.edu/manifests/view/drs:434984692\\$1i](https://iif.harvard.edu/manifests/view/drs:434984692$1i) (Access Date: 2020/05/14)
- [https://iif.harvard.edu/manifests/view/drs:424427927\\$1i](https://iif.harvard.edu/manifests/view/drs:424427927$1i) (Access Date: 2020/05/14)
- [https://iif.harvard.edu/manifests/view/drs:483245394\\$1i](https://iif.harvard.edu/manifests/view/drs:483245394$1i) (Access Date: 2020/05/14)